

عبدالحمید فرزانه<sup>۱</sup>

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد شیراز، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

## سلب مالکیت مجازاتی و کارکردهای آن در فقه و حقوق موضوعه‌ی ایران

### چکیده

تحقیقات نشان می‌دهد لزوم احترام به مالکیت اشخاص از احکام امضایی دین مبین اسلام است که منشاء فطری داشته و در حقوق موضوعه‌ی ایران نیز پذیرفته شده است. باین حال طبق موازین شرعی و عقلی، دولت‌ها می‌توانند در صورت لزوم، سلطه‌ی مالکانه‌ی مالکان را نادیده گرفته و اختیارات آنان را محدود و یا در برخی مواقع از آنها سلب مالکیت نمایند. انجام خدمات عمومی و زیرساخت‌های رفاهی زندگی اجتماعی شهروندان، پیشگیری از خسارت به مردم و مجازات مجرمان مهمترین اهداف سلب مالکیت از صاحبان املاک و دارایی‌ها است که در منابع فقهی و قوانین و مقررات جمهوری اسلامی به آنها پرداخته شده است. هدف این پژوهش اثبات مشروعیت دینی و قانونی سلب مالکیت مجازاتی یا تعزیرات مالی و حتی اولویت آن نسبت به تنبیهات بدنی است که به روش کتابخانه‌ای و از طریق تجزیه و تحلیل داده‌های موجود در منابع اسلامی و نصوص حقوقی انجام شده و ثابت گردید اطلاق لفظ تعزیر در منابع شرعی (شامل مجازات‌های بدنی و حبس و مجازات‌های مالی)، روایاتی که صریحاً تعزیر مالی را مجاز می‌شمارند، حکم عقل، اطلاعات ادله‌ی حکومت و همچنین سیره‌ی عقلاء که متشرعین نیز جزء آنها هستند از جمله دلایلی است که مشروعیت سلب مالکیت مجازاتی را اثبات می‌کنند. به تبع این نگاه شرع به تعزیر

<sup>۱</sup> farzazaneh2139@gmail.com

مالی، نظام حقوقی ایران هم مجازات مالی و سلب مالکیت مجازاتی را تجویز و  
مخصوصاً در قالب قانون مجازات اسلامی بر آن تأکید کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** فقه، تعزیرات مالی، سلب مالکیت مجازاتی، مجرم.

## مقدمه

از آنجا که طبق آموزهای مسلم دینی و قواعد متقن فقهی، مالکیت خصوصی محترم است و سلب مالکیت و محدود سازی اختیارات مالکانه‌ی اشخاص خلاف اصل بوده و احتمال تعدی و تخلف در آن دور از انتظارات نیست ضرورت دارد مبانی شرعی و قانونی مسأله و محدوده‌ها و ضوابط دخل و تصرف حکومت در اموال مردم مورد بحث و بررسی لازم قرار بگیرد. نکته‌ی قابل ذکر اینکه هرچند اقدام دولت در سلب مالکیت افراد بدون توجه خواست و اراده‌ی آنها صورت می‌گیرد ولی عدالت اقتضا می‌کند در سلب مالکیت‌هایی که با هدف ارایه‌ی خدمات عمومی انجام می‌گیرد بهای مال تملک شده به صاحب آن پرداخت و خسارات احتمالی وارده بر او جبران گردد. مبنای این دیدگاه، علاوه بر اصل عدالت، نظریه «برابری همگان در تأمین هزینه‌های عمومی» است که برخی از آن به عنوان نظریه «جبران زیان ناشی از مسؤولیت بیرون از خطا و خطر» یاد کرده‌اند. (ابوالحمد، ۱۳۷۶، ص ۵۶۳) اما در سلب مالکیتی که برای جلوگیری از وارد شدن ضرر و زیان به دیگران صورت می‌گیرد لزوماً دولت مسؤول جبران خسارت نیست بلکه عمدتاً مالکان باگذشت از برخی اختیارات مالکانه‌ی خود از وارد شدن زیان به دیگران پیشگیری می‌کنند. لکن در سلب مالکیتی که به منظور مجازات و تعزیر متخلفان و مجرمان توسط دولت اسلامی انجام می‌شود وضعیت از قرار دیگری است که در جستار حاضر به روش کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل منابع فقهی و حقوقی به آن پرداخته خواهد شد.

## ۱- مبانی مشروعیت سلب مالکیت مجازاتی (تعزیر مالی)

صاح اللغه تعزیر را به معنی تعظیم و بزرگداشت و تنبیه و ادب کردن گرفته و آن را زدن به کمتر از حد شرعی تعریف کرده است. (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۷۴۴) و فقهاء آن را عقوبت غیر مقدره و مجازاتی که با صلاح دید حاکم شرع بر علیه مجرم اعمال می‌گردد تعریف نموده‌اند. (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۱، ص ۴۴۸) بنابراین بر خلاف مجازات‌های مقدر و حدی که به سبب وجود دلائل روشن از کتاب و سنت، مورد قبول همه‌ی فقهاء می‌باشند، تعزیرات و مجازات‌های غیرحدی به طور جدی مورد بحث و گفتگو بوده و از نظر

مشروعیت اصل آن و میزان و نوع تعزیری که حاکم می‌تواند برای هر مجازاتی تعیین نماید اختلاف نظر وجود دارد (ر.ک.: محقق حلی، ۱۴۰۲ق، ج ۳ و ۴، ص ۹۶۵) لکن با توجه به اینکه در امر حکومت‌داری و اداره‌ی جامعه، به کارگیری و اعمال مجازات‌های تعزیری مالی که معمولاً در قالب نوعی سلب مالکیت انجام می‌شود از کارآمدی بسیار بالایی برخوردار است. به همین دلیل در این بخش از پژوهش، ادله‌ی مشروعیت مجازات‌های مالی را که شامل اطلاق تعزیر، روایات، اعتبار عقلی، دلیل اولویت و اطلاقات ادله‌ی ولایت فقیه است مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

### الف) اطلاق لفظ تعزیر در منابع شرعی

هر چند که برخی از فقها، قائل به عدم جواز تعزیر مالی بوده و می‌گویند در استعمالات شارع و متشرعه تعزیر در مورد "ضرب دون الحد" یعنی زدن تازیانه و شلاق به میزان کمتر از حد استعمال شده و این اصطلاح به همین نوع مجازات انصراف دارد ولی همانگونه که قبلاً اشاره گردید و بعداً نیز به طور مفصل توضیح داده خواهد شد تعزیر در لغت به معنای تأدیب، ردع، منع و باز داشتن است که حاکم شرع مصلحت دیده و بر علیه مجرم اعمال نماید. که چنین کیفری اعم از "ضرب دون الحد" است و اطلاق آن در خصوص تازیانه زدن در برخی روایات و کلمات فقیهان و اهل لغت به این خاطر است که اولاً در عمل بیشترین نوع مجازات رایج همین بوده است و ثانیاً شدیدترین و بازرترین مصداق تعزیر که به میزان مجازات حدی نرسیده و به آسان‌ترین شکل قابل اجرا نیز باشد همین "ضرب دون الحد" بوده است. بنابراین انصراف تعزیر به این معنا از باب کثرت و غلبه وجود بوده و حجت نمی‌باشد. لذا سلب مالکیت و تعزیرات مالی با هدف ردع و منع مجرمین از لحاظ شرعی امری قانونی و مجاز به حساب آید. (ر.ک.: صافی، ۱۳۶۳، ص ۷۴)

### ب) روایات مجاز شمارنده‌ی تعزیر مالی

احادیث و روایات قابل اعتماد وجود دارد که برای اثبات مشروعیت سلب مالکیت مالی با هدف جریمه کردن مجرمین کفایت می‌نماید:

۱- ابو داوود نقل می‌کند که رسول خدا (ص) فرمود: «زکات چهل شتر بیابان چر، یک بنت لبون است. هر کس آن را به قصد پاداش الهی بدهد خداوند به او اجر می‌دهد و اگر کسی از دادن زکات آن خودداری کند من زکات آن را به علاوه نصف مالش از او خواهم گرفت.» (سجستانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۶۳)

۲- پیامبر (ص) علی رغم اینکه معمولاً در جنگ‌ها و غزوات به سربازانش سفارش می‌کرد مبادا درختان دشمن را قطع کنند ولی در جنگ با یهودیان بنی نضیر دستور دادند درختان آنها را قطع کنند. (نوری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۲۸)

۳- در داستان سمره بن جندب و مرد انصاری، وقتی که سمره هیچ یک از پیشنهادهای پیامبر (ص) را در مورد نخلی که در ملک انصاری داشت نپذیرفت، حضرت به مرد انصاری فرمود: «برو درختش را بر کن و جلوی او بینداز.» (العاملی، ۱۳۹۲، ج ۱۷، ص ۳۴۱)

### ج) حکم عقل

تنبیه و مجازات مجرمان، جزء امور عبادی دین نیست که مکلفان به صورت تعبدی محض و بدون اینکه فلسفه‌ی تشریح آن را بدانند و به آن توجه کنند موظف به اجرای آن باشند، بلکه برای هر انسان عاقلی روشن است که حکمت قانونگذاری تعزیرات، تنبیه و تأدیب متخلفان و باز داشتن آنها از ارتکاب جرم از یک سو و عبرت آموزی و ردع و منع دیگران از اقدام مشابه از سوی دیگر می‌باشد. به عبارت دیگر، عقل بشری در مواجهه با اینگونه احکام شرعی، تأمین امنیت و نظم و عدالت در اجتماع و پاسداری از حقوق و مصالح فرد و جامعه را هدف تشریح آنها تشخیص می‌دهد و مانند برخی از احکام دیگر- مخصوصاً احکام عبادی- آنها را احکامی تعبدی که برای مصالح ناشناخته غیبی، از سوی شارع مقدس وضع شده اند نمی‌داند.

از این رو چنانکه هدف مزبور یعنی تنبیه و مجازات مجرم و بازداشتن او و دیگران از انجام اعمال ناروا در پرتو تعزیرات مالی، در حدّ مساوی یا درجه‌ای بالاتر از «ضرب دون الحد» تأمین شود عقلاً مانعی بر سر راه اجرای آنها وجود ندارد «و چه بسا تعزیر مالی در تأمین این هدف مؤثرتر و برای فرد متخلف و نیز جامعه، مصلحت‌آمیزتر باشد و بالعکس زدن و تنبیه بدنی مضر باشد و نتیجه‌ی معکوس بدهد و تنفر ایجاد کند.» (حسینی، ۱۳۶۶، ص ۱۱۶)

#### د) دلیل اولویت

طبق «قاعده‌ی سلطنت» و حدیث شریف نبوی که فرمود: «الناس مسلطون علی اموالهم» (مجلسی، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۲۷۳، و الاحسائی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۲۲) مردم بر اموال و دارایی خود سلطنت دارند و هیچ کس بدون مجوز شرعی حق تصرف در اموال دیگری را نداشته و نمی‌توان هیچ مالکی را بدون دلیل از تصرف در اموالش ممنوع نمود. مفاد این قاعده نشان می‌دهد که انسان‌ها به طریق اولی نسبت به جان و تن خویش نیز سلطنت دارند و لذا وقتی نادیده گرفتن سلطنت انسان بر بدنش به حکم شرع و قانون جایز می‌باشد، چنانچه تمام فقهای شیعه و سنی بر آن اجماع دارند که وجود بخشی بنام «کتاب الحدود و التعزیرات» در آثار فقهی همه‌ی فقهاء برای اثبات این ادعا کفایت می‌کند و آیات و روایات فراوانی نیز در این زمینه موجود می‌باشد. به طریق اولی نقض سلطه‌ی او بر اموالش به منظور مجازات و تنبیه او جایز خواهد بود.

البته باید اعتراف کرد که در عمل، تعزیر بدنی بیشتر رایج بوده و در روایات هم شیوع زیادی داشته و بر همین اساس در اکثر فتاوی فقهاء نیز از آن به عنوان مجازات پایین تر از حد یاد شده است زیرا اولاً اجرای تعزیر بدنی در عمل آسانتر است و به محض اثبات مجرم بودن فرد در محکمه با کمترین وقت، قابل اعمال می‌باشد. ثانیاً تعزیرات بدنی معمول برای همه‌ی افراد تأثیر بازدارندگی دارد در حالی که مجازات مالی ممکن است برای یک مجرم ثروتمند تأثیر مناسب را نداشته باشد.

#### ه) اطلاعات ادله‌ی حکومت

شکی نیست که هدف از تشکیل حکومت در اسلام، اجرای عدالت و نظم در جامعه و جلوگیری از کژی‌ها و تخلفات و حفظ حقوق مردم و مصالح امت می‌باشد. (به طور مثال ر.ک: سوره نساء، آیه ۵۸) بنابراین، حاکم اسلامی حق دارد برای مبارزه با مفسد و بزهکاری‌ها و پاسداری از حقوق و منافع مردم و جامعه با در نظر گرفتن مصلحت، از ابزارهای مختلف، از جمله تعزیرات مالی و سلب مالکیت از مجرمان، با هدف تنبیه و اصلاح آنان و جلوگیری از تکرار جرم از سوی آنها استفاده نماید از طرفی طبق آیه‌ی ۶ سوره‌ی احزاب، پیامبر(ص) برای تصمیم‌گیری نسبت به سرنوشت مردم از خود آنها

سزاوارتر می‌باشد و بر اساس نظر بسیاری از فقهاء، فقیه عادل جامع شرایط، جانشین معصومین (ع) در عصر غیبت بوده و از همه‌ی اختیارات حکومتی پیامبر (ص) و ائمه (ع) برخوردار می‌باشد. (ر.ک: عمید زنجانی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۹۱) بنابراین، از آنجا که هر یک از مردم می‌توانند درباره خود و دارایی‌هایشان تصمیم‌گیری نمایند پیامبر خدا (ص) به طریق اولی می‌تواند در مورد جان و مال آنها مخصوصاً در راستای اصلاح امور و مبارزه با مفسد تصمیم‌گیری فرماید.

### و (سیره‌ی عقلاء

عقلای عالم که متشرعین از جمله‌ی آنها هستند در طول تاریخ حتی این زمان، از اعمال مجازات‌های مالی برای ردع و منع مجرمین و مقابله با مفسد اجتماعی استفاده کرده و می‌کنند. طوری که در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که طبق قانون اساسی آن باید همه‌ی قوانین مطابق شرع انور باشد در تخلفات مربوط به امور حمل و نقل، گمرک، مالیات، احتکار، گرانفروشی، جرایم پزشکی، تخریب اموال تاریخی، ربا، رشوه خواری، کلاه برداری، تعدیات مأمورین دولتی، هتک حرمت اشخاص، جرایم علیه اشخاص و اموال، جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی، جرایم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی و هر نوع تحصیل مال از طریق نامشروع، به طور گسترده‌ای مجازات مالی در نظر گرفته شده و اعمال می‌گردد. (به طور مثال ر.ک: مواد ۵۳۸ تا ۶۴۴ قانون مجازات اسلامی)

شاید یکی از دلایل عقلای عالم برای در نظر گرفتن مجازات مالی این باشد که «اداره‌ی جامعه مستلزم هزینه‌ها و مخارج سنگینی است و از منابع مهم تأمین این هزینه‌ها که با حکم عقل و عرف هم سازگار است جریمه‌های مالی است. پس، از باب وجوب مقدمه با وجوب ذی المقدمه، اخذ اینگونه جریمه‌ها واجب هم می‌باشد.» (حسینی، پیشین، ص ۱۱۸)

### ۲- امتیازهای مجازات مالی نسبت به تعزیرات دیگر

برخی از صاحب نظران، از جمله سید محمد حسینی در صفحه‌ی ۱۰ تا ۱۳ کتاب «مجازات‌های مالی در حقوق اسلامی»، سلب مالکیت مجازاتی یا تعزیرات مالی را در

بسیاری از موارد دارای کارکرد و اثربخشی بیشتری از مجازاتهای جسمی و تنبیهات بدنی (تازیانه و زندان) دانسته‌اند که در زیر به آنها اشاره خواهد شد:

۲-۱- مجازاتهای مالی بسیاری از آثار روانی، اخلاقی و اجتماعی مجازاتهای دیگر به ویژه مجازات زندان را که آثار نامطلوب آن برای همیشه بر فرد مجرم و خانواده او و جامعه باقی خواهد ماند در پی نخواهد داشت و طبق دستور قرآن کریم: "ولاتزر و ارزۀ و زر اخری" هیچکس بار گناه دیگری را بر دوش نخواهد کشید. (سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۶۴)

۲-۲- اثر تنبیهی مجازات مالی مانند سایر مجازات‌ها با تکرار کم نخواهد شد و در مورد تکرار کنندگان جرم، قدرت اربابی و بازدارنده‌ی خود را حفظ خواهد کرد. در حالی که اینگونه مجرمان به مجازات زندان و حتّاً تنبیهات بدنی عادت می‌کنند و چنین مجازات‌هایی برای آنها تهدید جدّی به شمار نخواهد رفت و در مورد مجرمان ثروتمند، هم می‌توان به نسبت ثروتشان مبلغ جریمه را افزایش داد و هم جا برای مجازاتهای دیگر باز می‌باشد.

۲-۳- مجازات‌های مالی را می‌توان با شخصیت مجرم و شدت و ضعف عمل ارتكابی او منطبق کرد و به هر میزان که استحقاق دارد تعیین نمود. مجازات‌های دیگری مانند زندان و شلاق نیز قابل انطباق با شخصیت مجرم و شدت و ضعف جرم انجام شده می‌باشند اما چون مجازات‌های مالی تقسیم‌پذیرتر بوده و زمینه‌ی گسترده‌تری برای درجه بندی دارند بیشتر قابل انطباق با جرم و مجرم می‌باشند.

۲-۴- در مورد جرم‌هایی که هدف و انگیزه‌ی ارتكاب آنها نفع مادی است کیفر مالی مناسب تر بوده و بیشتر موجب کنترل طبایع تشنه‌ی کسب مال از راه نامشروع می‌شود و بین جرم و مجازات تناسب بیشتری برقرار می‌گردد و برای مجرمانی که ثروت‌های بادآورده دارند با بالا بردن مجازات مالی و نیز اعمال مجازات ترکیبی، علاوه بر تنبیه مجرم، خزانه‌ی عمومی نیز منتفع می‌شود. (ر.ک: صلاحی، ۱۳۵۴، ص ۱۵۲)

۲-۵- در مواردی که مجرم از چنگال قانون و عدالت می‌گریزد و مالی از او به جا می‌ماند، تنها راه اینکه مجرم بدون تنبیه مانند اعمال مجازات مالی است. لکن برای جلوگیری از اعسار تصنعی باید ساز و کار دقیقی مدنظر قرار گیرد که روند اجرای حکم از چنین آفتی در امان بماند.



۲-۶- هر چند ممکن است از نظر آثار بازدارندگی و تنبیه مجرمان و متخلفان، بین ابزارهای مختلف مجازاتی مانند حبس، تازیانه، سلب مالکیت و تبعید اشتراکاتی وجود داشته باشد لکن یکی از امتیازات غیر قابل چشم پوشی مجازات مالی این است که با اعمال آنها بخشی از هزینه‌های اداره جامعه و ایجاد امنیت همگانی تأمین شده و قسمتی از خسارتهای مستقیم و غیر مستقیمی که در مسیر و نتیجه تخلفات و اقدامات مجرمانه بزهکاران به اقتصاد و امکانات کشور وارد می‌شود جبران خواهد گشت. (علی آبادی، ۱۳۵۲، ص ۱۱۳)

### ۳- اهداف و آثار سلب مالکیت‌های مجازاتی در سنت معصومین (ع)

بر اساس مفاد روایات و سنت معصومین (ع) سلب مالکیت و مجازات مالی علاوه بر جنبه‌ی مجازاتی آن، با اهداف گوناگون صورت گرفته و آثار مختلفی در پی دارد که در زیر به آنها می‌پردازیم:

#### ۳-۱- سلب مالکیت به نفع فرد یا اشخاص معین

یکی از آثار و اهداف سلب مالکیت مجازاتی این است که به نفع فرد یا اشخاص معینی صورت می‌پذیرد. هدف از این نوع مجازات مالی علاوه بر جنبه‌ی تنبیهی آن، یا جبران خسارت وارده به شخص یا گروهی خاص است و یا اینکه اموال مصادره شده، در قالب نوعی جعاله به یک یا چند نفر تعلق می‌گیرد و یا اینکه چون مالک اصلی با ارتکاب جرم اهلیت خود را به عنوان مالک از دست می‌دهد اموالش به نفع وراثت مسلمان او مصادره می‌گردد.

#### الف) تسلیم اموال کافر ذمی قاتل به اولیای مقتول مسلمان

در صحیحہ ضریس آمده است که امام باقر (ع) در مورد مردی نصرانی که مسلمانی را کشته بود فرمود:

به اولیای مقتول تسلیم شود اگر خواستند او را بکشند و اگر خواستند او را ببخشند و اگر خواستند او را برده‌ی خود سازند، گفته شد اگر مالی داشت حکمش چیست؟ فرمود: خود و مالش به اولیای مقتول داده می‌شوند. (العالمی، ۱۳۹۲، ج ۲۹، ص ۱۱۰)

با توجه به این روایت و نیز روایت حسنه‌ای از امام صادق (ع) (ر.ک: طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۰، ص ۱۹۰) مرحوم صاحب جواهر یادآور شده که «نقلاً و تحصیلاً مشهور بین امامیه، بلکه بنابر آنچه در «انتصار»، «سرائر»، «روضه» و «نکت النهایه» آمده است اجماع امامیه بر این است که اگر کافر ذمی به عمد مسلمانی را بکشد، خود و اموالش به اولیای مقتول تسلیم می‌شود... همچنین در اجرای حکم فوق فرقی نیست که اولیای مقتول مسلمان قاتل را بکشند یا به بردگی بگیرند، در هر حال اموال قاتل به آنها داده خواهد شد.» (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۲، ص ۱۵۶)

#### ب) مصادره‌ی اموال مطرب آواز خوان به نفع جوانان مدینه

ابن ماجه می‌گوید: صفوان بن امیه گفته است: در حضور رسول خدا (ص) بودیم که عمر بن مرّه آمد و از پیامبر (ص) خواست اجازه دهد از این راه کسب درآمد کند. حضرت فرمود: اجازه نمی‌دهم، از پیش من برو و توبه کن و اگر پس از این آواز بخوانی تو را به صورت دردناکی خواهیم زد و سرت را به صورت نامنظم خواهیم تراشید و تو را تبعید و از خانواده‌ات دور خواهیم کرد و بردن اموالت را برای جوانان مدینه حلال خواهیم نمود. (ابن ماجه، بی تا، ص ۷۴)

#### ج) مصادره‌ی اموال شکارچی اطراف مدینه به نفع دستگیرکننده‌ی او

احمد حنبل پیشوای اهل سنت حنبلی در کتاب «مسند» که جزء صحاح شش‌گانه عامه می‌باشد از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمود: «اگر شخصی را دیدند که در حریم مدینه شکار می‌کند لباس و آنچه همراه او می‌باشد برای کسی است که او را دیده است.» (رحمانی، ۱۳۸۵ش ۴۲، ص ۱۱۵، به نقل از: مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۱۷۰)

#### د) سلب مالکیت از مرتد فطری به نفع وراثت مسلمان او

امام خمینی (ره) در این مورد می‌فرماید: ... مرتد فطری اگر مرد باشد زوجه‌اش از او جدا می‌شود و بدون طلاق، نکاح همسرش فسخ می‌گردد و ... اموالش که تا زمان ارتداد به دست آورده پس از ادای دیونش بین ورثه او تقسیم می‌گردد. (موسوی الخمینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۶۶)

#### ۲-۳- سلب مالکیت مجازاتی به نفع جامعه

از آنجا که برخی از افراد و گروهها با ارتکاب تخلفات، در نظام اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و اخلاقی اجتماع اختلال ایجاد می‌کنند و به منافع و مصالح عمومی زیانهای

گاه جبران ناپذیری وارد می‌سازند حکومت عدل اسلامی وظیفه دارد که علاوه بر مبارزه با آنها و جلوگیری از اقدامات غیر مجاز آنان، تا جایی که ممکن است حقوق از دست رفته جامعه را نیز از محل مصادره‌ی اموال و داراییهای مجرمان و اخلال گران در امور امت جبران نماید. از این رو در زیر نمونه‌هایی از سنت‌های قولی و فعلی معصومان (علیهم السلام) را به عنوان مبانی شرعی این نوع سلب مالکیت ذکر و با استفاده از نظر فقهاء به تجزیه و تحلیل آنها می‌پردازیم:

### الف) مصادره‌ی نصف مال تارک زکات

ابو داوود سجستانی از محدثین مورد اعتماد اهل سنت در کتاب حدیثی خود بنام «سنن» نقل می‌کند که رسول خدا (ص) فرموده است: «زکات چهل شتر بیابان یک بنت لبون است (بچه شتر ماده‌ای که دو سالش تمام گشته و وارد سه سالگی شده باشد) هرکس آن را به قصد پاداش الهی بدهد خداوند به او اجر خواهد داد ولی اگر کسی از دادن زکات آن امتناع ورزد من زکات آن را به علاوه نصف مالش از او می‌گیرم.» (سجستانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۶۳)

### ب) مجازات دو برابر دزد میوه

در وسائل الشیعه حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «پیامبر (ص) در مورد کسی که میوه‌ها را سرقت کرده و در آستینش جای داده بود حکم کرد هر آنچه را خورده چیزی بر او نیست ولی نسبت به آنچه برده است تعزیر می‌شود و باید دو برابر قیمت آن غرامت بپردازد.» (العالمی، ۱۳۹۲، ج ۲۸، ص ۲۸۶)

### ج) اخذ غرامت از مأمور متخلف

صاحب کتاب «دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه» به نقل از تاریخ یعقوبی حکایتی در مورد یکی از برخورد‌های قاطع امیرمؤمنان علی (ع) با کارگزاران متخلف حکومتی خود بیان می‌کند که در آن امام (ع) مأمور خود در منطقه اصطخر فارس بنام منذر بن جارود را به پرداخت جریمه‌ی نقدی سنگینی محکوم فرمود. حضرت در نامه‌اش خطاب به او چنین نوشت: «صالح بودن و درستکاری پدرت مرا درباره‌ی تو به اشتباه انداخت. حال که تو هواپرستی را رها نمی‌کنی... چون این نامه را دیدی به سوی من روان شو. والسلام»

با رسیدن این نامه به دست منذر، به نزد حضرت رفت و امام علی (ع) او را عزل و به پرداخت سی هزار درهم غرامت محکوم نمود. (منتظری، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۳۳۸، به نقل از یعقوبی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۷۹)

### ۳-۳- سلب مالکیت‌های مجازاتی با هدف بازدارندگی صرف

#### الف) دستور به کندن درخت سمیره بن جندب از سوی پیامبر (ص)

سمیره بن جندب درخت نخلی در خانه‌ی مرد انصاری داشت که گاه و بی‌گاه به بهانه‌ی آن مزاحم اهالی آن خانه می‌شد. وقتی سمیره به هیچ یک از آرای عادلانه و همراه با احسان پیامبر خدا (ص) توجهی نکرد و حاضر نشد برای رفع ضرر و جلوگیری از مزاحمت نسبت به مرد انصاری و خانواده‌اش نخل خود را که در ملک او بود بفروشد یا در عوضش نخل یا نخل‌های دیگری دریافت کند و حتی قبول نکرد که پیامبر (ص) در برابر درخت بی ارزش دنیایی، درختی بهشتی برای او ضمانت کند حضرت به او فرمود: «براستی که تو مردی زیان رسان هستی» و آنگاه به مرد انصاری دستور داد: «برو و آن درخت را برکن و نزد او ببنداز که ضرر و ضرار جایز نیست.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۴۱)

این فرمایش پیامبر (ص) به خوبی نشان می‌دهد که دستور قلع درخت سمیره پس از پذیرفتن راه حل‌های اولیه‌ی حضرت، جنبه‌ی مجازاتی و کیفری دارد هر چند نفعی مادی برای کسی در پی نداشته باشد.

#### ب) مجاز شمردن به آتش کشیدن منازل عوامل تفرقه و تارکین جماعت

دین اسلام، دین وحدت و برادری است. چنانکه قرآن کریم با شفافیت تمام پیروان خود را به وحدت فرا خوانده و می‌فرماید: «به ریسمان الهی چنگ زنید و از تفرقه و جدایی بپرهیزید.» (سوره‌ی آل عمران، آیه ۱۰۳) بر همین اساس در روایات متعددی آمده است که پیامبر اکرم (ص) کسانی را که در جماعت حاضر نمی‌شدند تهدید می‌کرد که خانه‌هایشان را بر سرشان به آتش خواهد کشید. به طور مثال امام صادق (ع) می‌فرماید: «جمعی در جماعت حضور نیافتند، رسول خدا (ص) در صدد برآمد خانه‌هایشان را به آتش کشد. آنها از خانه در آمده و در جماعت با مسلمانان شرکت کردند.» (نوری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۸۸)

### ج) سوزاندن غله‌های محترمان

از نظر دین مبین اسلام هیچ کس حق ندارد کالاهای ضروری و مورد نیاز مردم را به قصد ایجاد کمبود و گرانفروشی احتکار کند و جامعه را تحت فشار قرار دهد. به همین دلیل در خبرها آمده است که علی (ع) از شط فرات گذشت و با یک انبار گندم مواجه شد که تاجری آن را نگه داشته بود تا گران شود. حضرت دستور داد و آن انبارسوزانده شد. (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۰۳)

### د) آتش زدن کالای تاجر متقلب

تأمین معیشت مردم و کنترل بازار یکی از وظایف بسیار مهم حکومت اسلامی است. لازمی تحقق این امر و موفقیت دولت دینی در انجام این مسؤولیت خطیر برخورد قاطع با سودجویانی است که در بازار مسلمین و جزایان سالم اقتصادی جامعه اختلال ایجاد می‌کنند. ابوداود در این زمینه نقل می‌کند که پیامبر خدا (ص) فرمود: «هرگاه مردی را دیدید که در تجارت و معامله تقلب می‌کند کالای او را بسوزانید و او را کتک بزنید.» (ابوداود سجستانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۲)

### ه) سوزاندن مکان عرضه‌ی شراب

از نظر شرعی ساخت، نگهداری، خرید و فروش، مصرف شراب و حتی عرضه‌ی مواد اولیه آن مثل خرما و انگور به قصد استفاده از آن در تولید شراب و خمر حرام است (شیخ انصاری، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۴). در همین راستا مبارزات شدیدی از سوی پیامبر (ص) و امیرمؤمنان علی (ع) با عوامل تهیه و توزیع این ماده‌ی حرام و شیطانی در منابع اسلامی وجود دارد که دو نمونه‌ی آن به شرح زیر می‌باشد.

۱- از عبدالله بن عمر روایت شده که گفت: پیامبر خدا (ص) به من دستور داد کاردی برای او ببرم و من این کار را انجام دادم. حضرت فرستاد تا آن کارد را تیز کنند و آنگاه آن را به من داد و فرمود: فردا با آن نزد من بیا. و من صبحگاهان به نزد حضرتش رفتم. وی به همراه اصحاب خود به سوی بازارهای مدینه که در آنها مشک شراب وارد شده از شام عرضه می‌شد حرکت کردند. حضرت کارد را از من گرفت و هر مشک شرابی را دید پاره کرد و سپس آن کارد را به من داد و به همراهانش دستور داد با من بیایند و مرا یاری دهند و به من فرمود: به همه‌ی بازارها بروم و مشک شرابی نبینم مگر اینکه پاره کنم. و من هم چنین کردم و مشک شرابی را سالم نگذاشتم. (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۳۲)

۲- ابن تیمیه در کتاب «الحسبه فی الاسلام» نقل کرده که امیرالمؤمنین (علیه السلام) مکانی را که در آن شراب فروخته می‌شد سوزاند. (حسینی، پیشین، ص ۱۴۲، به نقل از: الحسبه فی الاسلام، ص ۵۹)

چنانکه ملاحظه می‌شود در این دو حدیث شریف نه فقط شرابها که از نظر شرعی ارزش مالی ندارند و عامل فساد به شمار می‌روند توسط رسول اکرم (ص) و امام علی (ع) نابود می‌شوند بلکه مشکها به عنوان ظرف نگهداری آنها و یا مغازه و محل نگهداری این مایع پلید نیز نابود و سوزانده می‌شوند که نوعی سلب مالکیت مجازاتی به حساب می‌آیند.

### و) تخریب خانه و ملک خیانتکاران

نوع دیگر از سلب مالکیت مجازاتی که صرفاً با هدف ردع و منع هر چه بیشتر مجرمان و عبرت آموزی دیگران و آن هم با شدیدترین حالتها از سوی امیرمؤمنان علی (ع) انجام شده ویران کردن و تخریب خانه و املاک خیانتکاران و ارادل و اوباش می‌باشد.

۱- ابراهیم بن محمد ثقفی در «الغارات» از ذهل بن حارث حکایت کرده که مصقله بن هبیره، کارگزار امام علی (ع) در یکی از ولایات اسلامی با مال خراج، اسیران بنی ناجیه را خرید و آزاد نمود. او پس از این کارش مرا به خانه خود دعوت کرد، بعد از خوردن شام گفت: به خدا سوگند که امیرالمؤمنین (ع) در مورد این مال [که با آن بدون اجازه اسیران خریده و آزاد کرده‌ام] مرا بازخواست خواهد کرد و من جوابی برای او ندارم. وی فردای آن شب به سوی معاویه رفت و به او پیوست. چون امیرمؤمنان (ع) از پیوستن او به معاویه با خبر شد فرمود: او را چه شده بود؟ خدا طردش کند. او همانند بزرگان عمل کرد (اسیران را خرید و آزاد نمود) و چون بردگان گریخت و مانند فاجران خیانت کرد. اگر می‌ماند و نمی‌توانست پاسخگوی کارش باشد بیشتر از این نمی‌شد که او را زندانی می‌کردیم و اگر مالی از او می‌یافتیم از وی می‌گرفتیم و گرنه او را رها می‌ساختیم. آن گاه امام (ع) به سوی خانه مصقله روان شد و آن را ویران ساخت. (نوری، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۲۰۷)

۲- قطب راوندی در کتاب «الخراج» آورده است که امیرمؤمنان (ع) برای سرکشی به رود فرات که طغیان کرده و از آن احساس خطر و نگرانی می‌شد بدان سو رفته بود. در

مسیر هنگامی که از محل اجتماع طایفه‌ی ثقیف می‌گذشت برخی از جوانان آن قوم نسبت به حضرت جسارت و بی ادبی کردند. بزرگان آنها در برابر خشم حضرت، درخواست بخشش کنند. امام (ع) فرمود: شما را نمی‌بخشم مگر اینکه چون از این مسیر برگردم این مجالس و محلهای تجمع را ویران کرده باشید... پاسخ دادند: چنین خواهیم کرد. آنگاه حضرت آنجا را ترک کرد و آنها طبق فرموده امام (ع) عمل کردند. (ر.ک: همان، ج ۳، ص ۱۵۱)

۳- در کتاب (وقعه صفین) آمده است که چون جریر با جمعی از اقوامش به قرقیسیه (شهری در شام قدیم) فرار کرده و پناهنده شدند علی(ع) به سوی خانه‌ی او رفت و آن را به هم ریخته و آتش زد. و همچنین در مورد پیوستن «ابن المعتم» و «حنظله بن ربیع» و طایفه‌ی آنها به معاویه آمده است که: «فلما هرب حنظله امر علی(ع) بداره فهدمت» یعنی: هنگامی که حنظله فرار کرد علی(ع) نسبت به تخریب خانه‌اش فرمان داد و خانه ویران شد. (منتظری، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۳۳۷، به نقل از وقعه صفین، ص ۶۰)

دقت در مواردی که مشمول احکام صرفاً تخریبی قرار گرفته‌اند نشان می‌دهد که یا اینگونه اقدامات و دستورات شدید و ویرانگر به خاطر خاص بودن فرد مجرم یا مجرمان بوده یا به خاطر نوع جرم واقع شده و یا به خاطر شرایط ویژه‌ای که اقدام مجرمانه در آن رخ داده است تا جای هیچگونه سازش و مماشات و یا فرصت دادن به پادرمیانی و دلسوزی شخصیت‌ها و بازگرداندن احتمالی املاک وجود نداشته باشد.

#### ۴- سلب مالکیت مجازاتی در قوانین جمهوری اسلامی

نوعی سلب مالکیت در قوانین کیفری جمهوری اسلامی وجود دارد که منشأ آن آموزه‌های دینی در این عرصه می‌باشد. سلب مالکیت‌های مجازاتی مقرر شده در قوانین موضوعه ایران که در بیش از یکصد مورد از جرائم و بزه‌کاریهای گوناگون به عنوان مجازات اصلی یا تکمیلی یا جانشین در نظر گرفته شده است که در زیر هر یک را به طور جداگانه و مختصر مورد بررسی قرار خواهیم داد:

##### الف) مجازات مالی جعل و تزویر:

هر چند " جعل " در لغت به معنی ساختن، قرار دادن و گردانیدن است (طباطبایی، ۱۳۵۸، ص ۱۱۶) ولی در اصطلاح حقوق کیفری به معنی تزویر و وضع می‌باشد و عبارت

است ساختن امری از روی قصد و بر خلاف واقع. جعل یا مادی است که به معنی قلب حقیقت به وسیله‌ی یک عمل در نوشتجات رسمی یا عادی یا چیز دیگر می‌باشد و جعل معنوی است که قلب حقیقت در مضمون یک عمل حقوقی است بدون اینکه به همراه یک عمل مادی باشد. (ر.ک: جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۶)

طبق قانون مجازات اسلامی جعل و تزویر عبارتند از: ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی و غیررسمی، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگر بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب. (منصور، ۱۳۹۰، ص ۱۴۱)

بررسی مواد گوناگون قانون مجازات اسلامی در زمینه‌ی جعل و تزویر نشان می‌دهد که قانونگذار این قانون در مواد ۵۳۲ تا ۵۴۰ برای مجرمان اینگونه جرایم محکومیت مالی به عنوان مجازات جانشین حبس یا شلاق تعزیری در نظر گرفته است که حداقل آن دویست هزار ریال و حداکثر آن سی میلیون ریال می‌باشد.

**ب) مجازات مالی فراری‌دهنده زندانی یا اهمال در دستگیری او:** شش ماه تا سه سال حبس یا جزای نقدی از سه تا هجده میلیون ریال (ماده‌ی ۵۴۸ ق. م. ا) البته مفاد این ماده قانونی نشان می‌دهد " برای تحقق جرم موضوع این ماده لازم است میان مسامحه یا اهمال و فرار زندانی رابطه علیت و سببیت وجود داشته باشد به گونه‌ای که اگر اهمال نبود فرار محقق نمی‌شد. " (زرعات، ۱۳۸۹، ص ۴۰۰) علاوه بر این، طبق ماده‌ی ۵۴۹ همین قانون چنانچه مأمور حفظ و مراقبت زندانی یا فرد توقیف شده برای فرار با او همکاری کند یا راه را برای فرار او تسهیل نماید و فراری بمیرد یا تحویل آن ممتنع شود در حالی که محکوم به قصاص بوده است از اموال عامل فرار به مقدار دیه‌ی جنایتی که زندانی وارد کرده یا مالی که مدیون بوده است سلب مالکیت صورت گرفته و به اولیای دم تحویل می‌گردد.

**پ) جریمه‌ی جعل عناوین و مشاغل:** حبس از سه ماه تا یک سال و یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون.

**ت) مجازات مالی تخریب‌کنندگان اموال تاریخی و فرهنگی:** ضبط و مصادره‌ی آلات و ادوات حفاری و وسایلی است که مجرم در وقوع جرم از آن‌ها استفاده کرده است



و پرداخت جریمه‌ی معادل دو برابر قیمت اموال تاریخی، فرهنگی قاچاق شده (ماده‌ی ۵۶۲ق.م.ا).

### ث) مجازات مالی مأموران و مقامات دولتی مقصر:

مقامات و مأموران دولتی در موارد زیر به خاطر تقصیر و تعدی به جان و مال مردم و سوء استفاده از قدرتشان مستحق مجازاتهای مالی جانشین به مقداری که خواهد آمد می‌شوند:

۱- در صورت سوء استفاده از شغل خود برای خرید اجباری ملک دیگران و یا مسلط شدن نابحق بر آن و یا مجبور کردن مالک به فروش ملکش به دیگران که قانونگذار برای چنین تخلفاتی علاوه بر رد مال یا معادل نقدی قیمت مال یا حق، مجازات حبس از یک سال تا سه سال یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال در نظر گرفته است. (قانون مجازات اسلامی ماده ۵۸۱) البته هر چند قانون مجازات اسلامی در مورد اجبار کردن دیگری به خریدن مال اجبارکننده ساکت مانده است لکن از فحوای ماده ۵۸۱ ق.م.ا. می‌توان دریافت که محکومیت‌های مزبور شامل حال چنین کسی نیز خواهد شد. (رک: زراعت، پیشین، ص ۴۲۷)

۲- همانگونه که در ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی آمده است، "هریک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیرمواردی که قانون اجازه داده بدون رضایت صاحبان آنها مطالب آن را افشا نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد."

۳- موارد دیگری که مجازات مالی برای مأموران مقصر در نظر گرفته شده عبارت است از: حبس و توقیف غیر قانونی اشخاص که مجرم به یک سال تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم می‌شود. (ماده ۵۸۳ ق.م.ا.) و اگر کسی با مجرم فوق‌الذکر در تهیه مکان توقیف و حبس غیر قانونی آگاهانه همکاری نماید به سه ماه تا یک سال حبس یا جزای نقدی یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم می‌گردد. (ماده ۵۸۴ ق.م.ا.)

### ج) مجازات مالی مرتکبین ارتشاء، اختلاس، رباخواری و کلاهبرداری:

طبق ماده‌ی ۵۸۸ ق. م. ا. "هریک از داوران و ممیزان و کارشناسان متقلب به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم و اموال دریافتینیز به نفع دولت ضبط می‌شود."

در ماده‌ی ۵۹۵ ق. م. ا. جریمه‌ی ربا خواری نیز مرتکبین اعم از ربا‌دهنده، ربا گیرنده و واسطه‌ی بین آنها علاوه بر ردّ اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردند. همچنین در ماده ۵۹۶ ق. م. ا. مجازات مالی کلاهبرداری علاوه بر جبران خسارات مالی و حبس از شش ماه تا دو سال، مبلغ یک تا دوازده میلیون ریال تعیین شده است.

### چ) جزای نقدی استفاده غیر مجاز از اموال دولتی: استفاده غیر مجاز از اموال

دولتی و اوراق بهادر و وجوه نقدی متعلق به دولت که علاوه بر جبران خسارت و پرداخت اجرت‌المثل، به شلاق تا ۷۴ ضربه و جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی محکوم خواهد شد. (قانون مجازات اسلامی، ماده‌ی ۵۹۸) و اگر ابواب جمعی دستگاههای دولتی طیّ زد و بندهای خاص در مزایده‌ها و مناقصات یا هر نوع خرید و فروش دیگر از طرف دولت، نفعی برای خود یا دیگری منظور دارد به تأدیه‌ی دو برابر وجوه و منافع حاصله از این طریق محکوم می‌شود و اگر عملی وی موجب تغییر در مقدار یا کیفیت مورد معامله گردد به حبس از شش ماه و تا پنج سال و یا مجازات نقدی از سه تا شش میلیون ریال نیز محکوم خواهد شد. (ماده‌ی ۶۰۳ ق. م. ا.)

### ح) محکومیت مالی هتک کنندگان حرمت اشخاص: توهین غیرقذفی به افراد از

قبیل فحاشی و به کار بردن الفاظ رکیک : تا ۷۴ ضربه شلاق یا جزای نقدی از پنجاه هزار ریال تا یک میلیون ریال (ماده ۶۰۸ ق. م. ا.).

### خ) مجازات مالی جرائم علیه اشخاص و اموال:

- ۱- مجازات کسی که طفل تازه متولد شده را که مرده است بدزد یا مخفی کند یا عوض نماید یکصد هزار تا پانصد هزار ریال خواهد بود. (ماده ۶۳۱ ق. م. ا.)
- ۲- کسی که از تحویل طفلی که به او سپرده شده به اشخاص که قانوناً حق مطالبه او را دارند خوداری کند به سه تا شش ماه زندان یا جزای نقدی یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم می‌شود. (ماده ۶۳۲ ق. م. ا.)

- ۳- مجازات مالی جانشین رها کردن طفلی که قدرت محافظت از خود را ندارد در جای خالی از سکنه سه تا دوازده میلیون ریال است. (ماده ۶۳۳ ق. م. ا.)
- ۴- دفن بدون رعایت نظامات جنازه یا مخفی کردن آن که به جزای نقدی یکصد هزار تا یک میلیون ریال محکوم خواهد داشت. (ماده ۶۳۵ ق. م. ا.)
- د) **جزای نقدی جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی:** سه ماه تا یک سال حبس و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا ۷۴ ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور. (ماده ۹۴ ق. م. ا.)
- ذ) **مجازات مرتکبین جرایم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی:** عقد کردن آگاهانه‌ی زن شوهردار یا زنی که در عده‌ی دیگری: حبس از شش ماه تا سه سال یا از سه میلیون تا هجده میلیون ریال جزای نقدی و تا ۷۴ ضربه (ماده ۶۴۳ ق. م. ا.) زن شوهردار یا زنی که در عده‌ی دیگری است خود را به عقد مردی در آورد و یا مردی زن شوهردار یا زنی که در عده‌ی دیگری است به ازدواج خود درآورد و منتهی به واقعه نگردد به حبس از شش ماه تا دو سال و یا از سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی (همان، ماده ۶۴۴)
- ر) **سلب مالکیت مجازاتی به خاطر قسم و شهادت دروغ:** سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی. (همان، ماده ۶۵۰)
- ز) **افشا کردن اسرار مردم:** افشای غیر قانونی اسرار توسط متولیان امور پزشکی و صاحبان شغل یا حرفه‌ای که محرم اسرار مردم شمرده می‌شوند: سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون جزای نقدی. (ماده ۶۴۸ ق. م. ا.)
- ژ) **مجازات مالی تبانی کنندگان:** تبانی مدیر تصفیه در امر رسیدگی به ورشکستگی بین طلبکاران و اجر ورشکسته مستقیماً یا مع الواسطه از طریق عقد قرارداد یا به طریق دیگر: شش ماه تا سه سال حبس و یا جزای نقدی از سه تا هجده میلیون ریال. (ماده ۶۷۲ ق. م. ا.)

### س) محکومیت مالی از بین بردن و کشتن جانداران:

۱- جزای نقدی برای کسی که حیوان حلال گوشت متعلق به دیگر یا حیواناتی که شکار آنها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بکشد و نیز کسی که بدون مجوز به صید حیوانات وحشی بپردازد. (ر.ک: قانون مجازات اسلامی، ماده‌ی ۶۷۹ و ۶۸۰)

۲- هر کسی اصله نخل خرما را به هر ترتیب یا به هر وسیله بدون مجوز قانونی از بین ببرد مجازات مالی تعیین شده به عنوان جانشین برای او یک میلیون و پانصد هزار تا سه میلیون ریال می‌باشد. (ر.ک: همان، ماده‌ی ۶۸۵)

۳- قطع درختان فضای سبز، چه در کنار خیابان و جاده و چه در میدان‌ها و پارکها و جنگلهای اطراف شهرها از جرائمی است که جزای نقدی اختصاص یافته به آن عنوان جانشین حبس، سه تا هجده میلیون ریال است. (ر.ک: همان، ماده ۶۸۶)

ش) مجازات مالی دست‌اندرکاران تهیه و توزیع مشروبات الکلی: سه ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال جزای نقدی (ماده ۷۰۳ ق. م. ا). دایرکردن شرابخانه یا دعوت کردن مردم به شرابخانه: یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی (همان، ماده‌ی ۷۰۴)

### ص) محکومیت مالی قمارباز، قمارفروش و قمارخانه:

از آنجا که براساس دستور قرآن کریم (سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۹۰) و احادیث صحیح و مسلم اهل بیت (علیهم السلام) قماربازی ممنوع و حرام می‌باشد (ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۳۸) مجازات دست‌اندرکاران آن به حسب نوع جرم بدین قرار است:

۱- خرید، حمل یا نگهداری وسایل مخصوص قماربازی: یک تا سه ماه حبس یا پانصد هزار تا یک میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی. (ماده‌ی ۷۰۶ ق.م.ا)

۲- سازنده، فروشنده، واردکننده، در معرض فروش قراردهنده‌ی آلات قمار و یا کسی که آن را در اختیار دیگری قرار می‌دهد: سه ماه تا یک سال حبس و یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی. (ماده‌ی ۷۰۷ ق.م.ا)

۳- دایر کننده‌ی قمارخانه یا دعوت کننده‌ی مردم به آنجا: شش ماه تا دو سال حبس یا از سه میلیون تا شانزده میلیون ریال جزای نقدی. (ماده‌ی ۷۰۸ ق.م.ا)

ض) مصادره‌ی اموال متکدیان و کلاشان و ولگردان: حبس از یک تا سه ماه و در صورت داشتن توانایی مالی، مصادره‌ی کلیه اموال، علاوه بر مجازات مذکور. (همان،

ماده‌ی ۷۱۲) و اگر کسی طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله‌ی تکدی قرار دهد و یا افرادی را به این امر بگمارد: سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموال حاصله (همان، ماده‌ی ۷۱۳).

#### ط) مجازات مالی تخلفات رانندگی:

هر چند تمام جریمه‌هایی که طبق قانون راهنمایی و رانندگی توسط پلیس راهور انجام می‌شود جزء سلب مالکیت‌های مجازاتی قرار می‌گیرند لکن طبق قانون مجازات اسلامی نیز در مواردی برای متخلفان رانندگی جزای نقدی چه به صورت اصلی و چه به صورت جانشین در نظر گرفته شده است. مثلاً عدم اعلام سرقت یا مفقود شدن پلاک وسیله‌ی موتوری توسط کسی که وسیله در اختیار و تصرف او بوده است به جزای نقدی از پانصد هزار تا یک میلیون ریال محکوم خواهد شد.

همچنین در بیست و دو ماده از مواد قانون مجازات اسلامی برای متخلفان و مرتکبان جرایم رایانه‌ای مجازات مالی در نظر گرفته شده است که حداقل آن یک میلیون و حداکثر آن یک میلیارد ریال می‌باشد. از میان مواد مزبور، هشت مورد از آنها جزای نقدی به عنوان مجازات اصلی و در کنار حبس و مجازات‌های دیگر تعیین شده و در موارد دیگر جزء یکی از دو یا چند مجازاتی است که می‌توان آنها را نسبت به مرتکبین جرائم رایانه‌ای اعمال نمود. (منصور، ۱۳۹۰، ص ۲۰۳-۲۲۶)

#### ظ) اقدامات تأمینی مالی:

در دو ماده از مواد قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۲ که همچنان جزء قوانین معتبر کشور جمهوری اسلامی ایران می‌باشد نوعی از سلب مالکیت مجازاتی پیش بینی شده که به قرار زیر است:

۱- طبق ماده ۱۴ قانون مزبور هرگاه شخصی دیگری را به ارتکاب جرمی تهدید کند و فرد محکوم به مجازات جنایی و جنحه صریحاً نظرش را بر تکرار جرم اظهار نماید دادگاه به تقاضای شخص تهدید شده یا متضرر می‌تواند از تهدید کننده تعهد گرفته و وجه الضمانه‌ی مناسب برای این امر دریافت کند. اگر ظرف دو سال از تاریخی که وجه الضمانه سپرده مرتکب جرم گردید وجه الضمانه به نفع دولت ضبط می‌شود.

۲- هرگاه موسسه‌ای وسیله برای ارتکاب جرم گردد به دستور دادگاه بسته خواهد شد. چنانچه بعد از قطعیت حکم نباید در آن موسسه فعالیت بازرگانی یا صنعت قبلی دایر گردد.

۳- تخلف از این حکم موجب محکومیت به جزای نقدی از ده هزار ریال و بستن مجدد موسسه خواهد بود. (ماده ۱۵ قانون اقدامات تأمینی)

### نتیجه گیری

از آنجاکه در تعزیرات مالی علاوه بر مجازات مجرم و اثرات باز دارنده‌ی آن، از یک سو تاحد زیادی از آثار منفی حیثیتی و روانی آن بر خانواده و اطرافیان فرد بزهکار پیشگیری می‌شود و از سوی دیگر بخشی از هزینه‌های مورد نیاز برای برقراری امنیت عمومی نیز تأمین می‌گردد و مسؤولان امر هم از قدرت مانور بیشتری برای مجازات تبهکاران گوناگون برخوردار خواهند شد شارع مقدس و نیز قانونگذاران نظام حقوقی ایران سلب مالکیت مجازاتی از متخلفان و مجرمان را تجویز کرده‌اند. طبیعی است جهت گیری هرچه بیشتر دستگاه قضایی و مراجع شبه قضایی متولی برخورد با مرتکبان فساد و بزهکاری به سمت استفاده از این نوع اختیارات شرعی و قانونی هم می‌تواند از هزینه‌های مالی زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها بکاهد و هم از تحمیل هزینه‌های روانی و حیثیتی بر بستگان بی‌گناه مجرمان جلو گیری نماید. چنانکه خداوند در سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۶۴ می‌فرماید: «ولاتزر وازره وزر آخری» (هیچ کس بارگناه دیگری را بردوش نخواهد کشید).

📖 کتاب‌نامه:

✽ قرآن کریم

- ۱- ابن حنبل، احمد، مسندالامام احمدابن حنبل، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۶ق، بیروت.
- ۲- ابوالحمد، عبدالحمید، حقوق اداری ایران، نشر طوس، ۱۳۷۶، تهران.
- ۳- ابوداودسجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن، دارالجنان، ۱۴۰۹ق، بیروت.
- ۴- الاحسایی، محمدابن ابی جمهور، عوالی الآلی، تحقیق مجتبی عراقی، انتشارات سیدالشهداء، ۱۴۰۳ق، قم.
- ۵- انصاری، مرتضی، المکاسب، ج ۱۰، (با تعلیقات سید محمد کلانتر)، دارالکتاب، ۱۳۶۷، قم.
- ۶- الجزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، المکتبه التجاریه الکبری، ۱۳۹۲ق، قاهره.
- ۷- جوهری، اسماعیل ابن حماد، الصحاح: تاج اللغه و صحاح العربیه، دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶، ۸- بیروت.
- ۹- جعفری لنگرودی محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، ۱۳۸۱، تهران.
- ۱۰- حسینی، سید محمد، مجازاتهای مالی در حقوق اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶، قم.
- ۱۱- حکیم، سیدمحسن، مستمسک العروه الوثقی، چاپ چهارم، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ق، بیروت.
- ۱۲- رحمانی، محمد، مصلحت در حکومت نبوی، فصل نامه حکومت اسلامی، ش ۴۲، مجلس خبرگان، ۱۳۸۵، تهران.
- ۱۳- زراعت، عباس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۹، تهران.
- ۱۴- صافی، لطف‌الله، التعزیر، انواعه و ملحقانه، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳، قم.
- ۱۵- صلاحی، جاوید، کیفرشناسی، چاپ دوم، دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۴، تهران.
- ۱۶- طالقانی، محمود (بی‌تا)، اسلام و مالکیت در مقایسه با نظام‌های اقتصادی غرب، بی‌جا، بی‌تا.
- ۱۷- طباطبایی، سیدمحمدحسین، بررسیهای اسلامی، نشر هجرت، ۱۳۵۸، تهران.
- ۱۸- طباطبایی، سیدمصطفی، فرهنگ نوین عربی، فارسی، انتشارات اسلامیه، ۱۳۵۸، تهران.
- ۱۹- طوسی، محمدبن حسن، التهذیب، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق، تهران، قم.
- ۲۰- العاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، ج ۶، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۲ق، بیروت.

- ۲۱- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، چاپخانه بانک ملی، ۱۳۵۲، تهران.
- ۲۲- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳، تهران.
- ۲۳- فیروزآبادی، مجدالدین محمدبن یعقوب، قاموسی المحيط، دارالجلیل، ۱۳۷۱ق، بیروت.
- ۲۴- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری، ج ۲، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، تهران.
- ۲۵- متقی هندی، علاءالدین علی، کنز العمال، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق، بیروت.
- ۲۶- المحقق الحلّی، ابوالقاسم نجم‌الدین، شرایع الاسلام، ج ۳ و ۴، مکتبه الاسلامیه الکبری، ۱۴۰۲ق، طهران.
- ۲۷- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۰ق، تهران.
- ۲۸- منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایه الفقیه، انتشارات دارالفکر، ۱۳۷۳، قم.
- ۲۹- منصور، جهانگیر، قانون مجازات اسلامی همراه با قانون تعزیرات حکومتی و...، نشر دیدار، ۱۳۹۰، تهران.
- ۳۰- منصور، جهانگیر، مجموعه قوانین، اساسی و مدنی، نشر دوران، ۱۳۸۸، تهران.
- ۳۱- موسوی خمینی، روح الله، تحریرالوسیله، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا، قم.
- ۳۲- نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، قم.
- ۳۳- نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل، ج ۲، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۸۳، تهران.
- ۳۴- یعقوبی، احمدابن اسحاق، ۱۴۱۶ق، تاریخ یعقوبی، مترجم عبدالمحمدآیتی، انتشارات فرهنگساز، ۱۳۶۳، تهران.